

تجربه یا تحصیل؟



سلام دوست من، در شماره قبل گفتیم که دنبال راهاندازی یک کسب و کارم و می‌خواهم روی پای خودم بایستم، ولی نگرانم شکست بخورم و به‌جای سود ضرر بدهم و شرمندۀ خودم و خانواده بشوم. دوست دارم کسب و کاری را که راه می‌اندازم، همه دوست داشته باشند. دلم می‌خواهد در صنف خودم شاخص و مورد قبول بقیه باشم.

پس قبل از اینکه کسب و کارم را شروع کنم، می‌خواهم اطلاعات دقیقی راجع به موفقیت، مدیریت و رهبری در کسب و کار و داشته باشم. گفته بودم که در محله‌مان چند آرایشگر هستند، اما آقارضا مشتری بیشتری از بقیه دارد و رئیس صنف آرایشگرها هم است. در نتیجه درآمدش بیشتر است. و متأسفانه آقا بهنام هم به‌خاطر درآمد پایین مجبور شد آرایشگاهش را تعطیل کند. مجموعه نکاتی را که درباره مدیریت و رهبری در کسب و کار و جمع‌آوری کرده بودم مطرح کردم؛ مثل فرصت‌شناسی، شناخت دقیق کسب و کار، باور به خود و کار، یادگیری اصول مدیریت کسب و کار، داشتن ارتباط‌های روشن، اولویت‌گذاری با برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی قبل از شروع، و گرفتن بازخورد.

اما نکته‌ای که خیلی ذهنم را مشغول کرده، داشتن مدرک تحصیلی و ارتباطش با تقویت کسب و کارم است. خانواده‌ام خیلی تشویق می‌کنند که به دانشگاه بروم و ادامه تحصیل بدهم، ولی من دوست دارم سریع‌تر کار کنم و مستقل شوم.

از طرف دیگر، در جامعه مدرک گرای ما، فکر می‌کنم مدرک هم اعتبار و شأن اجتماعی است و هم اگر بخواهم جایی استخدام شوم، شرط لازم است.

دانشگاه رفتن یا نرفتن؟ این تصمیم مهمی است و از الان که دانش‌آموز یا بهتر بگویم هنرجو هستم، باید تکلیف این قضیه را برای خودم روشن کنم. برای همین با چند نفر که در کارشان موفق هستند، مشورت کردم. در این شماره می‌خواهم تجربه این چند نفر را با شما دوست عزیز به اشتراک بگذارم.

آقا سعید مکانیک محله است و هر وقت ماشین‌مان دچار مشکل شود، به ایشان مراجعه می‌کنیم. در واقع در صنف تعمیرات خودرو مشغول است. مدرک کارشناسی ارشد حسابداری دارد و متأهل است. در دوران مجردی تمام تلاش خود را برای استخدام در اداره‌ها و نهادهای دولتی در رشته حسابداری به کار بسته است، اما نتوانسته است موفقیتی به دست بیاورد.

خودش می‌گوید: «بعد از ازدواج، با پیشنهاد یکی از دوستانم، بلافاصله در تعمیراتی خودرو مشغول شدم. تا یک ماه هیچ رغبتی به کار در تعمیرگاه نداشتم و با این تفکر که مدرک ارشد حسابداری دارم و این کار در شأن من نیست و نیز از ترس تمسخر دوستانم به‌خاطر لباس و دست‌روغنی، یک روز در میان مشغول به کار بودم، تا اینکه با مشاهده رونق این کار و بازار کار مناسب و دائمی آن، کم‌کم علاقه‌مند شدم.»

آقا سعید می‌گفت در کمتر از پنج‌سال صاحب‌خانه شده و هیچ‌گونه کم و کسری در زندگی‌اش احساس نمی‌کند. همچنین در آخر گفت: «تنها حسرت من مربوط به سال‌هایی است که باهدف جذب در اداره‌ها چندین سال عمرم را تلف کردم، درحالی‌که اکنون چندین برابر حقوق کارکنان دولت درآمد دارم. از جوانان و نوجوانان می‌خواهم آن‌ها نیز تفکر پشت‌میزنشینی را کنار بگذارند و دنباله‌روی علاقه، تجربه و مهارت خود باشند.»

نفر دوم محبوبه خانم است که فارغ‌التحصیل رشته شیمی است و اکنون کارگاه خیاطی کوچکی راه‌انداخته و علاوه بر خود، خواهرانش هم در این کسب و کار کوچک درآمدزایی می‌کنند.

او می‌گوید: «علاوه بر مدرک تحصیلی مرتبط، داشتن مهارت و علاقه‌مندی نیز لازمه موفقیت در کسب و کار است و اگر این عوامل در یک فرد جمع شوند، موفقیت در آن کسب و کار حتمی خواهد بود.»

محبوبه خانم می‌گفت، به سبب شغل مادرش، از کودکی به رشته خیاطی علاقه‌مند بوده، اما در دهه ۸۰، با این تفکر که افراد ضعیف در رشته‌های فنی و کار و دانش تحصیل می‌کنند، رشته تجربی را دنبال کرده است.

مریم خانم، خواهر محبوبه خانم، برگزارای دوره‌های مهارتی را برای راه‌اندازی



کسب و کارهای کوچک و اشتغال زایی پویا بسیار با اهمیت تر از مدارک اشباع شده رشته‌های دانشگاهی می‌دانست و می‌گفت: «با وجود آنکه بعد از فراغت از دیپلم به کار خیاطی مشغول بوده، اما رشته دانشگاهی غیر مرتبط با هنر را انتخاب کرده و چهار سال از عمر خود را بدون داشتن انگیزه صرف گرفتن مدرک در یک رشته تحصیلی اشباع شده و بدون بازار کار کرده است.»

مریم خانم به من تأکید کرد، بر حسب علاقه و دانشی که دارم، سراغ رشته‌های مرتبط با مهارت خود بروم و تنها بر حسب چشم و هم‌چشمی و داشتن وجه اجتماعی بالا، دنباله‌روی رشته‌هایی نباشم که بعدها پشیمانی داشته باشند.

احمد آقا کارشناس ارشد حسابداری است و حسابدار یک شرکت خصوصی است. او می‌گوید بعضی از همکارانش بدون تحصیلات دانشگاهی ولی با مدرک از آموزشگاهی معتبر، مثل مجتمع فنی، در همان شرکت با همان حقوق مشغول کار هستند. و اگر نخواهم در شرکت‌های دولتی مشغول کار تخصصی شوم و دنبال راهاندازی کسب و کار باشم، یادگیری مهارت‌های تخصصی رشته و به‌روز بودن در آن از همه چیز مهم‌تر است. او می‌گفت: «به‌روز بودن و یادگیری نرم‌افزارهای جدید رشته تخصصی خودمان بسیار مهم است و لزوماً از دانشگاه هم به دست نمی‌آید. هر چند دانشگاه برای آشنایی با افراد متخصص نظری در حوزه حرفه مدنظر شما فرصت خوبی است، اما امکان کسب این فرصت خارج از دانشگاه هم فراهم است. خوشبختانه برای شما این فرصت وجود دارد که در بسیاری از گفت‌وگوها و بسیاری از رویدادها شرکت کنید. فرصت‌های زیادی به شما داده می‌شود تا در مورد حرفه‌های جدید و هیجان‌انگیزی که ممکن است به انجام آن‌ها علاقه‌مند باشید، اطلاعات بیشتری کسب کنید.»

برای مثال، امروزه در شرایطی زندگی می‌کنیم که همه چیز رایانه‌ای است. بنابراین، فارغ از اینکه مدرک‌گرایی بیشتر از هر زمان دیگری بی‌معنی می‌شود، یادگیری در مورد مهارت‌های دیجیتال و کسب و کارهای جدید می‌تواند کلید حل مسائل شما باشد. تا جایی که ممکن است، به رویدادهای بیشتری بروید و با فضاهای کاری جدید بیشتر آشنا شوید. این نوع رویدادها می‌توانند اطلاعات کافی را در اختیار شما قرار دهند تا بتوانید برای مهارتی که می‌خواهید دنبال کنید تصمیم‌های درستی بگیرید.»

در هنرستان یک هنرآموز به نام آقای موسوی داریم که ارتباط خیلی خوبی با ما دارد. برای خیلی‌ها الگوی فرد موفق است. در دانشگاه درس خوانده و علاوه بر تدریس در هنرستان، کسب و کار خودش را هم مدیریت می‌کند. این سؤال را از او هم پرسیدم. نظر ایشان برایم بسیار مهم بود.

ایشان گفت: «در برخی حرفه‌ها تجربه تحصیل را مغلوب می‌کند و در برخی برعکس. حتی در برخی کارها که به نظر می‌آید تحصیلات در آن‌ها نقش جدی‌تری دارد هم در عمل قضیه به شکل دیگری است. در قسمتی از شغل‌ها نیز به‌طور واضح، داشتن تجربه بر داشتن تحصیلات برتری دارد. مثلاً کار در قسمت خدمات شرکت «نیسان» مطمئناً بیشتر از تحصیلات، به تجربه تعمیر ماشین وابسته است. در زمینه‌هایی مانند ساخت و ساز و تعمیرات، تجربه، به دلایل آشکاری، بر تحصیلات ترجیح دارد و در زمینه‌هایی مانند کدنویسی برنامه‌های رایانیک، تحصیلات حرفی برای تجربه نمی‌گذارند. در نتیجه، در درجه اول، زمینه حرفه انتخابی شما به شما خواهد گفت که تحصیلات و تجربه چگونه بر یکدیگر غلبه خواهند کرد. این نکته را نیز باید مدنظر داشت که در تمامی شرایط، تجربه و تحصیلات مکمل یکدیگر خواهند بود.»

پس از این صحبت‌ها و چند گفت‌وگوی دیگر، این‌طور فهمیدم که پس از تعیین گرایش تخصصی و زمینه دقیق کاری، بهترین حالت ممکن، داشتن مدرک به‌عنوان پایه علمی مناسب و مرتبط، همراه با به‌دست آوردن مهارت‌های لازم در حیطه تحصیلی فرد است که می‌تواند برای او راه‌های رسیدن به موفقیت را هموار کند. و کسب مدرک یا مهارت به‌تنهایی اهمیت چندانی ندارد. یادگیری، تمرین، تکرار و تجربه‌ای که بتواند مهارت را در فرد ایجاد کند و نیز به‌روز بودن در آن گرایش تخصصی، از اهمیت بالاتری برخوردار است.

